



انگشت ماندی در بالای پای خروس و مرغ
بوی افزاری خوش که از هندوستان آرند و
در طعام ها کنند.

ماده کوچکی ک در کف پا و انگشتان
می‌روید و فرد را از راه رفتن باز می‌دارد
[فرهنگ دهخدا]

شاخچه میخچه گذاردن!

نظر شما راجع به این ضرب المثل عجیب چیه؟

طبق آمار مرکز میخچه ۹۹.۹ درصد افراد برای اولین باره که این جمله به گوششون می‌خوره.
اولین بار که با این ضرب المثل روبه‌رو شدم یه میخچه بزرگ اومد جلوی چشمم که از شاخ یه گاو
بی‌زبون بیرون زده بود. بعد یه صدایی تو ذهنم گفت:

«مگه انگشت پاشو ازش گرفتن که رو شاخش میخچه دربیاد؟»

حالا اینکه چرا این همه حیوون شاخدار عزیز مثل قوچ، بز و خرا! (که خدا دیدش و بهش
شاخ نداد و گرنه الان توی دسته بندی ما قرار می‌گرفت) فقط همین گاو زبون بسته توی ذهنم
اومد که داستانش برمی‌گرده به پدر پدر بزرگ مادرم که از دار دنیا دوتا گاو داشت. سن
و سال خودش هم به فسیل‌های عهد ژوراسیک می‌گفت: زکی! اون اعتقاد داشت که اگه سالی
یکی دوتا میخ کوچیک بکوبه توی شاخ گاو ماده‌ش، آخر سال شیر و گوشت بیشتری عایدش
میشه. می‌گفت ممکنه حیوون با ضربه اول ناراحت بشه یا با ضربه دوم پرت کته کنار، اما به فایده
آخر کارش می‌ارزه. کسی چه می‌دونه شاید راز سلامتی و طول عمر پدر پدر بزرگ مادرم همین بود.
خلاصه خسته‌تون نکنم بریم سر ضرب المثل خودمون. بذارید تا سلولای خاکستری مغزتون به
پت پت نیوفتادن خودم بگم: «شاخچه میخچه نهادن» ضرب المثلیه به معنای:
آراستن سخن به اغراق؛ و اغراق، زبان طنز است و طنز زبانی است که تلیخی‌ها
را به گونه‌ای شیرین بیان می‌کند. دور و برهم جمع شدیم و میخچه رو
بنا کردیم، تا مثل میخی کوچیک باشیم برشاخی و سودمند در
جهت بهتر شدن!

ما تو این مسیر کمک کنید.

